



«حلقات»

درس ۱۲۹

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم‌الهدی
آموزشیار: آقای پیشوایی

در درس گذشته مرحوم شهید صدر (ره)، برای تواتر سه حالت را تصور کردند. سپس در مورد حالت اول تواتر، مثالی را مطرح کردند. پس از طرح مثال به این سؤال پرداختند که آیا در فرض مطرح شده، علم اجمالی حاصل می شود یا خیر؟ پاسخ به این سؤال را به این درس موکول کردیم. در مقام پاسخ، ابتدا، ویژگی های علم و اطمینان را بررسی خواهیم کرد و در ادامه پاسخ منفی شهید صدر (ره) و استدلال ایشان مطرح می شود. در پایان درس نیز، حصول اطمینان اجمالی در فرض مزبور مورد بررسی قرار می گیرد.

و التحقيق في ذلك ان قيمة احتمال كذب الجميع ضئيلة جداً لوجود مضعف و هو عدد الاحتمالات التي ينبغي ان تضرب قيمها من أجل الحصول على قيمة احتمال كذب الجميع، و كلما كانت عوامل الضرب كسوراً تضاءلت نتيجة الضرب تبعاً لزيادة تلك العوامل، و هذا ما نسميه بالمضعف الكمي فيكون احتمال كذب الجميع ضئيلاً جداً و يحصل في المقابل اطمئنان بصدق واحد على الأقل، و لكن هذا الاطمئنان يستحيل ان يتحول إلى يقين بسبب الضالة.

و وجه الاستحالة اننا نعلم إجمالاً بوجود مائة خبر كاذب في مجموع الاخبار، و هذه المائة التي التقطناها تشكل طرفاً من أطراف ذلك العلم الإجمالي و قيمة احتمال انطباق المعلوم الإجمالي عليها تساوى قيمة احتمال انطباقه على أى مائة أخرى تجمع بشكل آخر، فلو كان المضعف الكمي وحده يكفي لإفناء الاحتمال لزال احتمال الانطباق على أى ما نتفرضها، و هذا يعنى زوال العلم الإجمالي و هو خلف.

و هكذا نعرف ان درجة احتمال صدق واحد من الاخبار على الأقل تبقى اطمئناناً، و حجية هذا الاطمئنان مرتبطة بتحديد مدى انعقاد السيرة العقلانية على العمل بالإِطمئنان و هل تشمل الاطمئنان الإجمالي المتكون نتيجة جمع احتمالات أطرافه أو لا؟ إذ قد يمنع عن شمول السيرة لمثل هذه الاطمئنانات الإجمالية.

علم :

یقین ۱۰۰٪ به مضمون یک جمله؛ در اینجا ممکن است که احتمال خلافی وجود داشته باشد امام ذهن انسان قدرت توجه و احتفاظ بر آن را ندارد.

اطمینان :

ظن بسیاری قوی به مضمون یک گزاره تا حدی که افراد عادی در کارهای خود به احتمال خطای آن اعتنا نمی کنند، با این تفاوت که توانایی توجه به آن را دارند اما تسامحاً به آن توجه نمی کنند.

حجیت علم و اطمینان

حجیت علم ذاتی است اما اطمینان، خیر.

اطمینان هر چند ظن قوی است اما از آنجا که اصل در ظنون، عدم حجیت است پس ظن قوی دارای حجیت ذاتی نیست و باید برای آن دلیل اقامه کرد.

طرح یک سؤال

با توجه به این مقدمه در بحث گذشته گفتیم : فرض می کنیم در یک مجموعه ۱۰۰۰ تایی از روایات ۱۰۰ روایت اشتباه وجود داشته باشد، با این فرض اگر یک بسته ۱۰۰ تایی را از این روایات انتخاب کنیم، احتمال اینکه این ۱۰۰ تایی انتخابی همان ۱۰۰ تایی اشتباه باشند، احتمال بسیار ضعیفی است. (حدود $1/400000$). آیا می توانیم بگوییم افراد به چنین احتمالی توجه نمی کنند؟ و در نتیجه بگوییم با وجود چنین احتمال ضعیفی ما علم اجمالی داریم بر اینکه حداقل یکی از این ۱۰۰ روایت صحیح است؛ بنابراین اگر این ۱۰۰ روایت همگی تکلیفی بودند بگوییم حتماً در این میانه تکلیفی بر گردن ما آمده است. ولو اینکه نمی دانیم دقیقاً کدامیک از این ۱۰۰ تا است. پس مثلاً باید احتیاط کرد؟

درست است که هر چه تعداد اخبار افزایش می یابد، این افزایش، مضعّف کمی احتمال خلاف است . اما در اینجا این احتمال خلاف با تمام کوچکی آن قابل توجه است. و به حد علم اجمالی نمی رسد.

دلیل شهید صدر بر پاسخ مذکور

سؤال در فرضی مطرح شد که در آن فرض نمی توان احتمال خلاف مورد بحث را نادیده گرفته و نفی کرد.

توضیح : به سبب وجود یک علم اجمالی دیگر که در تعارض با این نفی احتمال است، این احتمال کوچک را قابل توجه می کند؛ احتمالی که در جاهای دیگر چه بسا قابل توجه نباشد و آن، علم اجمالی به این است که اگر در میان این ۱۰۰۰ روایت اگر چندین بسته ۱۰۰ تایی دیگر جدا کنیم، باز این احتمال وجود دارد که در مورد همه آنها بگوییم : این بسته همان بسته تماماً اشتباه نیست؛ چرا که بسته انتخابی اول با دیگر بسته ها فرقی ندارد . از طرفی تعداد این بسته ها بسیار زیاد است. چرا که اگر این بسته ها فقط در یک روایت اختلاف داشته باشند کفایت می کند . حال اگر ما به این احتمال خیلی کوچک توجه نکنیم آنگاه ما در مورد تمامی بسته های یک علم داریم و آن اینکه این بسته همان بسته ۱۰۰ تایی اشتباه نیست؛ و این خلف فرض است . چرا که ما قبلاً یقین داشتیم که در این میان یک بسته ۱۰۰ تایی اشتباه داریم. در نتیجه با تعارض این دو علم اجمالی، احتمال خلاف بسیار کوچک، قابل توجه می شود، و مانع یقین ما به وجود حداقل یک خبر صحیح در میان آن ۱۰۰ خبر انتخابی می شود.

حصول اطمینان اجمالی در فرض مزبور

به نظر شهید صدر (ره)، از آنجا که عرف در چنین فرضی احتمال خلاف را قابل اعتنا نمی داند و مسامحه می کند لذا اطمینان حاصل می شود. اما بحث این است که آیا چنین اطمینان اجمالی منجز واقع هست یا نه؟ و این اطمینان اجمالی کارآیی آن علم اجمالی را دارد یا نه؟ در جواب این سؤال باید به ادله حجّیت اطمینان رجوع کرد که مهمترین آن سیره

عقلا است. در عرف عقلا به اطمینان مانند علم ارزش داده می شود و این عرف در عصر امامان معصوم (علیهم السلام) وجود داشته و ایشان ردغ و منعی نفرموده اند؛ پس معلوم می شود که این سیره را قبول داشته اند.

شهید صدر(ره) معتقدند که سیره عقلا در چنین اطمینان اجمالی قابل اثبات نیست؛ چرا که عقلا هر چند به اطمینان عمل می کنند اما در چنین فرضی که اطمینان، اجمالی و همراه با تردید است معلوم نیست که عقلا خود را ملزم به احتیاط در اطراف چنین شبهه ای ببینند؛ از طرفی سیره دلیل لبی است و فقط به قدر متیقن آن می توان اخذ نمود و قدر متیقن آن جایی است که چنین تردیدی وجود نداشته باشد.

نکته

در محاسبه احتمال در بحث تواتر، کسرهای احتمال خلاف در هم ضرب می شود نه کسرهای احتمال صدق . اما اینکه چرا احتمال های صدق را در هم ضرب نمی کنیم به این دلیل است که این کار در صورتی انجام می شود که بخواهیم احتمال صدق همه اخبار را پیدا کنیم . اما ما به چنین احتمالی نیاز نداریم . در بحث تواتر اگر صدق یکی از اخبار اثبات شود کافی است . لذا ما با احتمال صدق فقط یکی از اخبار کار داریم و دیگر خبرها اگر صدقشان ثابت نشود به تواتر ضرری وارد نمی کند.

۱. علم در جایی است که ذهن ما توان توجه به احتمال خلاف در صدق یک گزاره را ندارد. لذا به طور ۱۰۰٪ حکم به صحت گزاره می کند.
۲. اطمینان به یک گزاره در جایی است که ذهن انسان به احتمال ضعیف خلاف توجه دارد؛ اما به خاطر تسامح به این احتمال توجه نمی کند. لذا اطمینان یک ظن قوی است نه یقین ۱۰۰٪.
۳. حجیت علم ذاتی و حجیت اطمینان، تبعیدی و به اذن شارع است.
۴. در جایی که عدم توجه به احتمال خلاف با یک علم اجمالی در تعارض باشد ذهن انسان آن احتمال خلاف را - ولو بسیار کوچک باشد - احتفاظ و مورد عنایت قرار می دهد.
۵. در فرض بالا اگر احتمال خلاف بسیار کم باشد هر چند علم اجمالی پیدا نمی کنیم اما اطمینان اجمالی حاصل می شود.
۶. شهید صدر(ره) اطمینان اجمالی را فاقد ارزش می داند؛ چرا که سیره عقلا در اعتنا به این اطمینان، قابل اثبات نیست. و چون سیره عقلا دلیل لبی است، فقط به قدر متیقن آن که اطمینان تفصیلی است، اخذ می کنیم.
۷. برای متواتر شدن یک خبر کافی است صدق یکی از اخبار برای ما اثبات شود. و ما نیازی به اثبات صدق همه اخبار نداریم. در نتیجه باید احتمال صادق نبودن حداقل یک خبر را محاسبه کرد، که این امر با ضرب احتمالات کذب به دست می آید.